



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies
Vol 31. No 2. Summer 2024
Received date: 2023.08.09
Acceptance date: 2024.01.21



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net
DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.2.2.4

The Rise of Turkiye's Hydro-Hegemony and its Hydro-Political Consequences on Iran's National Security

Ayoub Hattavian¹, Arash Raisinejad²



Abstract

In hydro hegemony, dams as infrastructure facilities, in addition to political and economic benefits at the national level, are considered hydropolitical tools at the regional level, which have the ability to change the power structure and hydro political relations in a water basin. A government that enjoys this advantage tends to read water resources as power. Due to having hydro-hegemony components, Turkiye has the ability to change regional political outputs. These changes have the possibility of affecting Iran's national security in the water basins of Kura-Aras, Tigris and Euphrates. By examining Turkiye's water mechanisms and the concept of hydro-hegemony, this article tries to answer the question of how the rise of Turkiye's hydro-hegemony in the Tigris, Euphrates and Kora-Ars water basins affects Iran's national security? Relying on the environmental security of Bari Buzan in the form of system exploration method, the authors have come to the conclusion that Turkiye's hydro hegemonic rise affects Iran's national security directly and indirectly through; Jeopardizing food security, affect climate changes, demographic changes, the spread of radicalism in the region, and the strengthening of Turkiye's political bargaining power against Iran.

Keywords: Hydro-Hegemony, Iran, Turkiye.

1 - Master of International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 - PhD in International Relations, Florida International University.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۲، پیاپی (۱۱۶)، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۲.۲.۴

نوع مقاله: پژوهشی

خیزش هیدروژمونی ترکیه و پیامدهای هیدروپلیتیکی آن بر امنیت ملی ایران

ایوب حطاویان^۱، آرش رئیسی نژاد^۲



چکیده

در هیدروژمونی سدها به عنوان تاسیسات زیربنایی، افزون بر مزایای سیاسی و اقتصادی در سطح ملی، ابزارهای هیدروپلیتیکی در سطح منطقه‌ای به شمار می‌آیند که از توانایی تغییر ساختار قدرت و مناسبات هیدروپلیتیک در یک حوضه آبی برخوردار هستند. دولتی که از این مزیت برخوردار است، به خوانش منابع آبی به مثابه قدرت، تمایل دارد. ترکیه به دلیل برخوردار بودن از مؤلفه‌های هیدروژمونی قابلیت تغییر برون‌دادهای سیاسی منطقه‌ای را دارد. این تغییرات امکان تحت تاثیر قرار دادن امنیت ملی ایران در حوضه‌های آبی کورا-ارس و دجله و فرات را دارند. این مقاله با بررسی مکانیسم‌های آبی ترکیه و همین‌طور مفهوم هیدروژمونی، سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که خیزش هیدروژمونی ترکیه در حوضه‌های آبی دجله و فرات و کورا-ارس چگونه بر امنیت ملی ایران تاثیر می‌گذارد؟ با تکیه بر امنیت زیست محیطی باری بوزان در قالب روش کاوش نظام‌مند، نویسندگان به این نتیجه رسیدند که خیزش هیدروژمونی ترکیه، امنیت ملی ایران را به صورت مستقیم و غیر مستقیم و به واسطه، به خطر افتادن امنیت غذایی، تغییرات اقلیمی، تغییرات بافت جمعیتی، گسترش رادیکالیسم در منطقه و تقویت قدرت چانه‌زنی سیاسی ترکیه در مقابل ایران تحت تاثیر قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: هیدروژمونی، ایران، ترکیه.

۱ - (نویسنده مسئول) کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Ayoub.Hattavian@gmail.com

Arash.Reisinezhad@gmail.com

۲ - دکتر روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی فلوریدا.

۱- بیان مسئله

امروزه کشورها ناگزیر به رویارویی و پاسخگویی به تهدیدات و چالش‌هایی هستند که پیش از این در ادبیات امنیت نمود و جایگاهی نداشتند. تهدیدات امنیتی غیر سنتی توسعه، بقا و بهزیستی نوع بشر و دولت‌ها را با تهدیدات و چالش‌هایی جدی روبه‌رو می‌کنند. یکی از این تهدیدات امنیتی غیر سنتی، تهدیدات زیست محیطی و چالش مدیریت منابع آبی در رودخانه‌های بین‌المللی و حوضه‌های آبی مشترک است. آب یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت زیست محیطی است. آب منبعی حیاتی با ماهیتی مشترک میان بازیگران مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که مرزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به رسمیت نمی‌شناسد. نکته حائز اهمیت در خصوص مسائل آبی آن است که کسب امنیت آبی تنها در گرو حکمرانی مسائل در هم تنیده بخش آبی نیست بلکه بسیاری از این محرک‌ها از بخش‌های دیگری سرچشمه می‌گیرند. پیوند در هم تنیده آب، سیاست و امنیت یک مسئله مهم در سیاست‌گذاری راهبردی و همچنین بهره‌برداری از منابع آبی مشترک است. این پیوند به حدی حائز اهمیت است که ابر قدرت‌ها برای هژمون شدن، احاطه بر مسائل محیط زیستی و به‌ویژه آب را به‌عنوان یک راهبرد اساسی در دستور کار خود قرار داده‌اند. از سوی دیگر افزایش روز افزون بهره‌برداری از منابع آبی برای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خصوصا در کشورهای در حال توسعه که خود با کم آبی و غالبا خشکسالی در درجه‌بندی‌ها و سطوح مختلف دست به گریبان هستند، بحران کم آبی را غیر قابل اغماض ساخته است. پس از مشکل جمعیت، بحران کم آبی و مدیریت منابع آبی، دومین چالش اصلی جامعه جهانی در سال‌های آینده خواهد بود (میرفخرایی و خدایی، ۱۴۰۰: ۳۱۳). مدیریت و بهره‌برداری از منابع آبی در حوضه‌های آبریز مشترک یکی از جدی‌ترین چالش‌های پیش رو در این زمینه است. نوع برهم کنش میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد. به‌عنوان مثال هیدروپلیتیک غرب آسیا سیاست سختگیرانه و انعطاف‌ناپذیری را بر کشورهای پایین دست تحمیل کرده است. رفتار ترکیه با کشورهای پایین دست در دو حوضه دجله و فرات و کورا-ارس نمونه‌ای از این سیاست سختگیرانه است. کشورهای پایین دست این دو حوضه آبی تصور می‌کنند که انگیزه‌های ترکیه فراتر از مسائل توسعه‌ای است و با اهداف و استراتژی‌های کلان این کشور در تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای هم‌راستا است. هیدروپلیتیک ترکیه چه در حوضه دجله و فرات و چه در حوضه کورا-ارس، به واسطه پروژه‌های

گاپ^۱ و داپ^۲، تأثیرات و پیامدهای جدی را علیه امنیت ملی کشورهای سوریه، عراق و ایران روا داشته است (اسدالهی و ذکی، ۱۳۹۹: ۵). این کشور به واسطه مکانیسم‌های آبی عملاً امنیت زیست محیطی کشورهای پایین دست را در معرض فرسایش و تهدید قرار داده است. با توجه به درهم تنیدگی آب، سیاست و امنیت ملی این مقاله با بررسی مکانیسم‌های آبی ترکیه و همین‌طور مفهوم هیدروهمژمونی، سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که خیزش هیدروهمژمونی ترکیه در حوضه‌های آبی دجله و فرات و کورا-ارس چگونه بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد؟ این مقاله با تکیه بر مطالعات انجام شده در بستر روش کاوش نظام‌مند و تمرکز بر امنیت زیست محیطی باری بوزان^۳ سعی دارد به این سوال پاسخ دهد.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین کار شده در این زمینه در سه دسته آب به مثابه ابزار قدرت، مکانیسم‌های آبی ترکیه و تأثیرات هیدروپلیتیک ترکیه بر امنیت ملی ایران آورده شده‌اند:

۲-۱- آب به مثابه ابزار قدرت: دسته اول شامل تحقیقاتی می‌شود که بر نقش آب به‌عنوان ابزار کسب قدرت و اقتدار تمرکز دارند. مول^۴ در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اصولاً هر جا آب جاری باشد، بستر قدرت نیز فراهم است. همین‌طور وی معتقد بود که علاوه بر دستیابی به منفعت اقتصادی، دستیابی به منافع ژئوپلیتیکی، جزو اهداف ساخت سازه‌های آبی از جمله سدها است (Moll, 2009: 490). در پژوهش انجام شده تحت عنوان «واکاوی مفهوم امنیت آب از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک»، بر اهمیت امنیت آبی در مقیاس محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی در همبستگی و یکپارچگی ملی و سرزمینی و کنش واحدهای سیاسی-فضایی تأکید شده است (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۶). کالثر^۵ معتقد است که ساخت سد و اصلاحات اراضی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته امری اجتناب‌ناپذیر است چرا که نه تنها ترقی و رشد نیازمند مصرف بیشتر آب است بلکه دولت‌ها با درک تهدیدات، برای خود ابزاری در جهت مقابله با آنها ایجاد می‌کنند (Cullather, 2002: 533). به طور کلی این دسته از تحقیقات، سازه‌های آبی و پروژه‌های هیدروپلیتیکی را به‌عنوان یک تاکتیک سیاسی برای تسلط بر فضا و کنترل قدرت می‌بینند و اعتقاد دارند که زیرساخت‌های آبی با منطق توسعه

1 - Southeastern Anatolia Project or GüneyDoğu Anadolu Projesi (GAP)

2 - Eastern Anatolia Project or Doğu Anadolu Projesi (DAP)

3 - Barry Buzan

4 - Moll

5 - Cullather

اقتصادی ساخته می‌شوند اما با هدف توسعه قدرت ژئوپلیتیکی تفسیر می‌شوند (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲۵).

۲-۲- مکانیسم‌های آبی ترکیه: دسته دوم این پژوهش‌ها، ابزارهای هیدروپلیتیکی ترکیه را در مرکزیت بحث قرار داده و به نقش و اثرات این پروژه‌ها بر کشورهای ساحلی، به‌ویژه پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) می‌پردازند. ویزاژ^۱ و همکاران خود معتقد هستند توسعه زیرساخت‌های آبی در استان ازمیر ترکیه برای پروژه «هزار سد کوچک در هزار روز» اهدافی فراتر از توسعه سطح زیر کشت و آبیاری مزارع را دنبال می‌کند. آنها استدلال کردند که چنین پروژه‌هایی نه تنها می‌توانند قدرت و اقتدار دولت را در مناطق پیرامونی کشور تقویت کنند بلکه ابزار موثری برای چانه‌زنی و تاثیرگذاری بر کشورهای دیگر در اختیار ترکیه می‌گذارند (Le Visage et al, 2018: 430). نویسندگان مقاله «درهم تنیدگی آب، سیاست و محیط زیست در حوضه آبریز دجله و فرات»، با تمرکز بر پروژه گاپ، وضعیت هیدروپلیتیکی حوضه آبریز دجله و فرات را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که ظرفیت سدها و سازه‌های احداث شده در کشورهای ساحلی، بیش از ۳ برابر برآورد کل سالیانه این حوضه است. این پژوهش آشکار ساخت که اثرات جدی تغییرات اقلیمی در کنار عدم اعتماد و رقابت جدی کشورهای ساحلی برای تسلط هرچه بیشتر بر منابع آبی، می‌تواند منابع آبی و اثرات زیست محیطی حاصل از سازه‌های آبی را از فاز فنی-سیاسی به فاز-نظامی تغییر دهد (میان آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۸۲).

۲-۳- تاثیر هیدروپلیتیک ترکیه بر امنیت ملی ایران: این دسته ناظر بر پژوهش‌هایی است که به تأثیرات پروژه‌های گاپ و داپ ترکیه بر امنیت ملی ایران پرداخته‌اند. در پژوهش انجام شده با عنوان «تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه (GAP) بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» نشان داده شده که تکمیل طرح گاپ ابتدا امنیت زیست محیطی جنوب غرب کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد و توازن اقتصادی را به سمت ترکیه سوق می‌دهد، سپس امنیت ملی ایران را به واسطه بیکاری و مهاجرت در بُعد ملی و تضعیف محور مقاومت به واسطه افزایش وزنه ژئوپلیتیکی ترکیه در بُعد منطقه‌ای مورد فرسایش و اصطکاک قرار می‌دهد (فرهادی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). در مقاله «پروژه سدسازی ترکیه، تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران» نویسندگان به این نتیجه رسیدند که در صورت تکمیل و تداوم بهره‌برداری و ذخیره بی‌رویه منابع آب حوزه دجله و فرات، نه تنها ایران بلکه

منطقه غرب آسیا با تهدیدات زیست محیطی و تأثیرات منفی اکوسیستمیک مواجه خواهد شد (ناصری و گودرزی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

این مقاله، هیدروپلیتیک ترکیه را در قالب هیدروژمونی بررسی کرده و با این نگاه به تأثیرات سیاست‌های آبی ترکیه بر امنیت ملی ایران پرداخته است. به عبارتی ابداع و نوآوری این تحقیق ناشی از نگاه متفاوت به هیدروپلیتیک ترکیه می‌باشد. مقاله پیش رو با بیان و تشریح مکانیسم‌های هیدروپلیتیکی ترکیه در دو سطح ملی و منطقه و همین‌طور فرایند مشروع‌سازی و همگام‌سازی دیگر کشورها با خود، به چگونگی تأثیر خیزش هیدروژمونی این کشور بر امنیت ملی ایران پرداخته است.

۳- چارچوب نظری

۳-۱- امنیت ملی

در موضوع امنیت بحث کلی درباره پیگیری رهایی از تهدید است. وقتی این بحث در چارچوب نظام بین‌الملل مطرح شود، امنیت به توان دولت‌ها و جوامع در راستای حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آنها مرتبط می‌شود. در نظام بین‌المللی واحد استاندارد امنیت، دولت دارای حاکمیت و قلمرو است. با توجه به اینکه ساختار نظام بین‌الملل در موضوعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با آنارشی در ابعاد سازمانی مواجه است، دولت‌ها به‌عنوان واحدهای مسلط، کانون اصلی ملاحظات امنیتی هستند (بوزان، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۳). امنیت ملی مهم‌ترین اصل در ثبات سیاسی و استقلال یک کشور است، زیرا بقای هر کشور، تمامیت ارضی، ثبات و استمرار آن حکومت بستگی به امنیت ملی آن کشور دارد. اهمیت این موضوع به حدی است که برخی امنیت ملی را پیش شرط تامین سایر اهداف ملی می‌دانند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۰). یکی از مکاتبی که مسئله امنیت را مورد توجه و مطالعه قرار داده، مکتب کپنهاگ می‌باشد. این مکتب بیشترین تلاش را برای شناسایی مفهوم امنیت و دسته‌بندی آن داشته است. مکتب کپنهاگ صرفاً بر مطالعات امنیتی و عوامل موثر بر مبحث امنیت تمرکز دارد. این مکتب بر خلاف نظریات سنتی واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، مفهوم امنیت را تنها به قدرت یا صلح تقلیل نمی‌دهد. همچنین مانند نظریه‌های انتقادی و پست مدرن فقط در پی انتقاد و به چالش کشیدن دیگر نظریات نیست بلکه خود صاحب نظر و نوآور در حوزه مطالعات امنیتی می‌باشد (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۰)؛ به عبارتی این مکتب به واسطه دیدگاه میانه خود، مفروضات اثبات‌گرایانه را رد و بر موقعیت‌مندی، شناخت و آگاهی در مقوله امنیت می‌پردازد. این مکتب که توسط باری بوزان در سال ۱۹۸۵ شکل

گرفت، بر مطالعات امنیتی در پسا جنگ سرد و تغییرات حاصله در مفهوم امنیت متمرکز است. در مکتب کپنهاگ اصولاً امنیت از دیدگاه تهدید، تفسیر می‌شود (ناصری و گودرزی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). بررسی امنیت از دریچه تهدیدات، این مکتب را قادر ساخته که پدیده امنیت را به سطوح و بخش‌های مختلف گسترش دهد (بوزان و ویور، ۱۳۸۶: ۴۷). باری بوزان به‌عنوان نماینده اصلی و بنیان‌گذار این مکتب با اتخاذ یک دیدگاه گسترده از پدیده امنیت، مفهوم امنیت را یک منظومه چند وجهی معرفی می‌کند. وی معتقد است هنگامی که از امنیت سخن به میان آید باید به وجوه مختلف امنیت توجه کرد. او ابعاد مختلف امنیت را به پنج بُعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی می‌گستراند. به اعتقاد بوزان این ابعاد پنج‌گانه امنیت، به صورت مستقل از هم عمل نمی‌کنند بلکه در پیوستگی باهم هستند و بر یکدیگر تاثیر دارند (بوزان، ۱۳۸۸: ۳۴). یکی از بُعدهای مهم امنیت ملی، امنیت زیست محیطی است. امنیت زیست محیطی با توجه به گستردگی تاثیرگذاری آن بر امنیت ملی حائز اهمیت بسیار است. تهدیدات زیست محیطی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم توانایی تاثیر بر امنیت ملی کشورها را دارند. این بُعد با توجه به تغییرات اقلیمی، افزایش جمعیت، تغییر سبک زندگی و دیگر عوامل، به یکی از فراگیرترین و غیر قابل اغماض‌ترین بُعدهای امنیت تبدیل شده است. از آنجایی که موضوع این پژوهش بر تهدیدات امنیت ملی در محیط منطقه‌ای ایران متمرکز است، این مکتب بهتر می‌تواند موضوع ما را پوشش دهد.

شکل ۱: بُعدهای امنیت ملی در مکتب کپنهاگ



۳-۲- امنیت زیست محیطی

توسعه مفهوم امنیت به صورتی که خطرات و تهدیدات برآمده از محیط زیست را در بر بگیرد، به ظهور رویکردی بسیار فراگیر در حوزه امنیت منجر گردید. طرح مفهوم امنیت زیست محیطی در قالب امنیت انسانی و ملی در میان کنشگران و بازیگران سیاسی، ناظر بر اهمیت جهانی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است. امنیت زیست محیطی، حوزه نوینی از مطالعات امنیتی است که با توجه به تحولات ناگوار ناشی از پویش‌های انسان و آسیب‌پذیری بنیادهای زیستی، زیست‌بوم‌ها و محیط زیست و همین‌طور پیامدهای امنیتی آن بر پایداری حیات موجودات زنده، به طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است. فرایندهای توسعه‌ای برای پیشرفت و ارتقای سطح زندگی نه تنها بر محیط تاثیر می‌گذارند بلکه از آن نیز تاثیر می‌پذیرند. امنیت برخواسته از این دو عامل شکل‌دهنده و قوام‌دهنده مفهومی خاص از امنیت است که امروزه امنیت زیست محیطی شناخته می‌شود؛ به عبارتی نسبت امنیت با محیط زیست با توجه به رابطه توسعه با محیط تعیین می‌شود (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۰).

شکل ۲: نسبت امنیت با محیط زیست



(کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۰)

برخی تحلیلگران امنیت زیست محیطی را امنیت بنیادین معرفی کرده‌اند در حالی که عده‌ای آن را انحرافی از معنا و مفهوم راستین امنیت می‌دانند (سازمند، ۱۳۹۲: ۱۸۱). در حوضه روابط بین‌الملل سابقه امنیتی کردن ارزش‌های زیست محیطی به سال ۱۹۷۲، یعنی هم‌زمان با برگزاری کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست موسوم به کنفرانس استکهلم بر می‌گردد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

باری بوزان، الی ویور^۱ و پاپ دو ویلد^۲ از موسسان مکتب کپنهاگ در کتاب مشترک خود معتقد هستند، مهم‌ترین موضوعاتی که در امنیت زیست محیطی مطرح می‌شوند شامل، برهم خوردن اکوسیستم‌ها، مشکلات مرتبط با انرژی، مشکلات جمعیتی، مشکلات غذایی، مشکلات اقتصادی و کشمکش‌های مدنی حاصل از خسارت‌های زیست محیطی هستند. همچنین بوزان در این راستا معتقد است که امنیت زیست محیطی به حفظ محیط زیست و مهار تأثیرات آن در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تعریف می‌شود (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۷). مکتب کپنهاگ امنیت را از دیدگاه تهدیدات می‌سنجد به همین خاطر با بروز تهدیدات نوین، مفهوم امنیت گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. در مباحث نوین امنیت، امنیت ملی هر کشور صرفاً با افزایش قدرت نظامی تحقق نمی‌یابد بلکه حفظ و افزایش امنیت ملی هر کشور در گرو افزایش قدرت ملی در تمامی حوضه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی است. به‌ویژه ژئوپلیتیک «نفت، گاز و آب» از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر امنیت ملی هر کشور هستند چرا که نوع تهدیدات حاصله از آنها بر بقاء یک ملت اثر گذار است (مظفری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۵). در گفتمان مدرن امنیت ملی، وجه نرم‌افزاری تهدیدات بر وجه سخت‌افزاری اضافه شده است. این تهدیدات مدرن دارای ویژگی‌هایی هستند، از جمله اینکه دولت محور نیستند، چالش‌ها به محل خاص جغرافیایی تعلق نمی‌گیرند، ناپایدار هستند و نمی‌توان با رویکرد سنتی آنها را مهار کرد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۸). یکی از تهدیدات نوین زیست محیطی کمبود و توزیع نامتعادل آب است. ۱۷ کشور جهان با کمبود شدید آب یا به اصطلاح بحران آب روبه‌رو هستند که از این میان، ۱۲ کشور از غرب آسیا و شمال آفریقا هستند (میرفخرایی و خدایی، ۱۴۰۰: ۳۱۶). کشورهای خاورمیانه به دلیل قرار گرفتن در کمربند خشک و نیمه خشک جهان، عمدتاً با شدت و حدت بیشتر با مشکل و معضل کم آبی دست به گریبان هستند، به طوری که خاورمیانه با داشتن ۵ درصد از جمعیت جهان تنها ۱ درصد از منابع آب شیرین جهان را در اختیار دارد (میرفخرایی و خدایی، ۱۴۰۰: ۳۱۶).

۳-۳- هیدروهمژمونی

هیدروهمژمونی^۳ به همژمونی یک دولت مدرن اطلاق می‌شود که ریشه‌های آن در هیدروپلیتیک و بر مبنای جایگاه یک کشور در مؤلفه‌های قدرت استوار است. به بیان دیگر، هیدروهمژمونی به توانایی و

1 - Ellie Weaver

2 - Jaap de Wilde

3 - Hydro-hegemony

برخوررداری یک دولت از قدرت کنترل و انحراف منابع آب نسبت به کشورهای همسایه و منطقه‌ای مجاور خود گفته می‌شود. میرزایی در مقاله خود هیدروهمومنی را برتری در حوضه یک رودخانه مشترک می‌داند که از طریق راهبرد کنترل منابع آبی ایجاد می‌شود. این استراتژی از راه اتخاذ تاکتیک‌هایی مانند فشار و تهدید به بستن رودها به واسطه ساخت سدها و سازه‌های آبی اجرا می‌شود (میرزایی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۸). به عبارتی در هیدروهمومنی سدها به‌عنوان تاسیسات زیربنایی، افزون بر مزایای سیاسی و اقتصادی آنها در سطح ملی، ابزارهای هیدروپلیتیکی در سطح منطقه‌ای به شمار می‌آیند که از توانایی تغییر ساختار قدرت و مناسبات هیدروپلیتیک در یک مجموعه هیدروپلیتیکی منطقه‌ای برخوردار هستند (رشیدی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۳). دولتی که از این مزیت برخوردار است، به خوانش منابع آبی به مثابه قدرت، تمایل دارد. اساساً این مفهوم برای ارزیابی چگونگی به کارگیری هم‌زمان ابعاد مختلف قدرت جهت بهره‌گیری از مزیت آبی استفاده می‌شود. هیدروهمومنی مفهومی است که از ترکیب قدرت اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و نظامی شکل می‌گیرد. ممکن است کشوری از نظر موقعیت جغرافیایی در وضعیت بالادستی رودخانه قرار داشته باشد اما لزوماً به معنای برتری آن کشور بر کشورهای پایین دستی نیست (رشیدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴). بنابراین جغرافیا تنها زمانی می‌تواند سودمند باشد که یک کشور بالادستی، مزیت جغرافیایی خود را هماهنگ با قدرت‌های دیگر در بستر همومنی شدن خود به کار گیرد. ساده‌تر اینکه جایگاه هیدروهمومنی یک کشور به درهم آمیختن موقعیت جغرافیایی با قدرت مادی، هویتی و سیاسی بستگی دارد (Mehta & Warner, 2020: 135).

شکل ۳: مولفه‌های شکل دهنده هیدروهمومنی



قدرت جغرافیایی: قدرت جغرافیایی با موقعیت جغرافیایی یک کشور در حوضه رودخانه، یعنی بالادست یا پایین دست مرتبط است. قدرت جغرافیای عمده‌ترین مزیت برای کشورهای بالادست است. با این حال همان‌طور که گفته شد، تنها داشتن موقعیت بالادست به معنای هیدروهمژمون بودن نیست. همچنین موقعیت جغرافیایی به نوبه خود توانایی افزایش قدرت سیاسی (چانه‌زنی) بازیگران را دارد (Mehta & Warner, 2020: 129).

قدرت مادی: قدرت مادی با جنبه‌هایی از جمله حمایت بین‌المللی، قدرت نظامی، توسعه اقتصادی، توانمندی تکنولوژیک، اهمیت ژئوپلیتیک و توانایی مالی مشخص می‌شود. کنترل بر آب اغلب تحت تأثیر عدم تقارن در قدرت مادی به‌ویژه در ترکیب با قدرت سیاسی (چانه‌زنی) است (Mehta & Warner, 2020: 131).

قدرت هویتی: این نوع قدرت، مشروعیت را تقویت می‌کند زیرا کنترل بر درک مدیریت منابع آب در حوضه رودخانه منجر به ایجاد حس تعلق و رضایت مردمان کشور می‌شود. قدرت هویتی، ظرفیت کشور را برای مشروعیت بخشیدن و تحمیل ایده‌ها، گفتمان‌ها و روایت‌هایی خاص از قدرت فراهم می‌کند (Mehta & Warner, 2020: 133). این بُعد از قدرت عامل روانی و درونی بسیار مهمی است که غالباً تصمیم‌گیران و رهبران سیاسی تصمیمات خود را بر مبنای دریافت خود از هویت، فرهنگ و تاریخ خود، شکل می‌دهند.

قدرت سیاسی (چانه‌زنی): این نوع از قدرت به توانایی بازیگران برای تعریف دستور کار و کنترل قوانین بازی اشاره دارد. قدرت چانه‌زنی به توانایی بازیگران برای تأثیرگذاری بر مذاکرات و توافقات از طریق تشویق، تطمیع و یا اجبار بستگی دارد. این قدرت همچنین می‌تواند ظرفیت بازیگر ضعیف‌تر را برای انتخاب بین انطباق و عدم انطباق از بین ببرد. با این حال این نوع قدرت بستگی به روابط بین بازیگران دارد به صورتی که بازیگر همژمون نیاز دارد برای حفظ تعاملات خود، در نظر دیگران مشروع دیده شود و بازیگر غیر همژمون سعی دارد برای حفظ منافع خود به تغییر یا حفظ قوانین و دستورکارهای بین‌المللی متوسل شود (Mehta & Warner, 2020: 134).

هیدروپلیتیک^۱، زیر مجموعه علم جغرافیای سیاسی آب است. این مفهوم که ترکیبی متوازن از دو واژه آب و سیاست است، ناظر بر سیاست‌هایی است که تحت تاثیر در دسترس بودن آب و منابع آبی و تاثیرپذیری و تاثیرگذاری آب بر سیاست می‌باشد (گرگیچ و خزایی، ۱۳۹۹: ۵۹). حافظنیا هیدروپلیتیک را مطالعه نقش آب در رفتارهای سیاسی مناسبات و مناقشات دولت‌ها در سطوح و مقیاس‌های ناشی از تهدیدات زیست محیطی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی معرفی کرده است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۰). مجتهدزاده در نوشتار خود هیدروپلیتیک را علم مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با بهره‌برداری از آب بر شکل‌گیری رفتارهای سیاسی میان دولت‌ها و ملت‌ها معرفی کرده است (مجتهدزاده، ۱۳۷۶: ۱۱۰). هیدروپلیتیک در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تبیین است. در سطح ملی تهدیدات زیست محیطی و به صورت موردی کم آبی، ناظر بر بررسی تاثیرات خوب و بد و همچنین تنش‌های سیاسی-اجتماعی ناشی از سیاست‌های آبی حکومت‌ها و دولت‌ها در خصوص مدیریت آب در داخل کشور مثل احداث سد و انتقال آب از یک حوضه به حوضه دیگر و تبعات آنها می‌باشد (مختاری هشی و قادری، ۱۳۹۱: ۶۷). بوزان مهم‌ترین سطح تهدیدات امنیت زیست محیطی را در سطح منطقه‌ای می‌بیند. تهدیدات آبی منطقه‌ای، برخاسته از کمبود برخی کشورها و ضعف جغرافیای آنها در قبال کشورهایی با شرایط بهتر هستند. برخی رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای را بیان تاثیر منابع آب بر سیاست خارجی می‌دانند که چگونه عملکرد سیاست خارجی یک کشور برای تامین آب را تحت تاثیر قرار می‌دهد. عمده‌ترین بحثی که در این سطح مطرح است، این است که آیا کشورها برای تقسیم آب رودخانه‌ها و استفاده از منابع آب مشترک جهت دستیابی به توسعه با یکدیگر به توافق می‌رسند یا توافقی بین آنها حاصل نمی‌گردد و در نهایت تاکید بر این نکته ضروری است که چگونه می‌توان از وقوع نزاع بر سر تقسیم منابع آب اجتناب کرد و در جهت همکاری با یکدیگر گام برداشت. سومین و آخرین سطح از سیاست‌های جهانی آب شامل بحث‌ها و سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی در خصوص منابع آب در کنفرانس‌هایی است که درباره محیط زیست و منابع طبیعی در سطح جهانی انجام می‌گیرند و به دنبال تنظیم و تدوین حقوق و قوانین بین‌المللی جهت استفاده از منابع آبی مشترک

میان کشورها، همکاری بین کشورها، بهره‌برداری از منابع آب مشترک و جلوگیری از بروز کشمکش و نزاع بر سر منابع هستند.

۳-۵- روش تجزیه و تحلیل

این نوشتار با دوری از فرضیه‌سازی جهت جلوگیری از هر گونه پیش داوری و اصرار در اثبات فرضیات خود، با به کارگیری یک روش استقرایی در بستر کاوش نظام‌مند سعی در تبیین مکانیسم‌های سیاست‌های آبی ترکیه و پیامدهای آن بر کشورهای پایین دست از جمله ایران دارد. در این روش سوال مقاله پیش رو به مثابه دستور کار در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی مکانیسم‌های آبی تاثیرگذار ترکیه به عنوان یک متغیر مستقل درآمده و تاثیرات سیاست‌های آبی این کشور بر امنیت ملی ایران به صورت متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. گردآوری اطلاعات در این مقاله، به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

۴- هیدروژمونی ترکیه

ظهور نوعثمان‌گرایی^۱ به عنوان ترکیبی نوین از اسلام مدرن و ناسیونالیسم پانترکیسم^۲، همچنین موقعیت این کشور در پهنه اکولوژیکی^۳ و جایگاه جغرافیایی آن از یک طرف و قدرت اقتصادی و سیاسی ترکیه از طرف دیگر، این کشور را به عنوان موثرترین و بانفوذترین بازیگر در غرب آسیا در زمینه منابع آبی مبدل ساخته است. ترکیه به دلیل جایگاه بالادستی خود بر رودخانه‌های مهم دجله و فرات و همین‌طور رود ارس، از لحاظ جغرافیای آبی نسبت به دیگر کشورهای پایین دست این منطقه از جایگاه بهتری برخوردار است. این کشور از لحاظ حوضه‌های آبریز دارای ۲۵ حوضه آبریز بزرگ و کوچک در سرتاسر جغرافیای خود می‌باشد که مزیت بزرگی را برایش به ارمغان آورده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲۷). این کشور با بهره‌مندی از موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی خود و با استفاده از مکانیسم‌های هیدروپلیتیکی در دو سطح ملی و منطقه‌ای سعی در تکمیل پازل هیدروژمونی خود از طریق ملی‌سازی منابع آبی در راستای فرصت‌سازی از آنها دارد. از سوی دیگر روابط سیاسی ترکیه با کشورهای غربی به رهبری آمریکا اگرچه در بسیاری از زمینه‌ها شاهد تنش‌ها و اختلافات عمیقی بوده، با این حال با توجه به نقش این کشور در ناتو و همین‌طور نقش متعادل‌کننده آن مقابل ایران در منطقه

1 - Neo-Ottomanism

2 - Nationalism of Pan Turkism

3 - Ecological zone

خلیج فارس، غالباً این اختلافات به حاشیه کشیده می‌شوند. در فهم سیاسی غربی، ترکیه با تمام چالش‌هایش، یک سرمایه امنیتی با ارزش در منطقه خاورمیانه است. از لحاظ روابط سیاسی با شرق نیز این کشور توانسته ارتباطات معتدل سیاسی بر پایه کارکردهای اقتصادی با کشورهای چین، هند و روسیه داشته باشد. از این منظر باید گفت که این کشور از لحاظ چانه‌زنی سیاسی، جهت پیشبرد اهداف خود در منطقه غرب آسیا نسبت به دیگر کشورهای منطقه از جایگاه بهتری برخوردار است.

گسترش پانترکیسم و هویت ترک یکی از نقاط قانونی خیزش مجدد ترکیه در بستر هیدروژمونی خواهد بود. کاربرد الفاظی چون ترکستان بزرگ^۱، اتحادیه بزرگ دولت‌های ترک^۲ و کشورهای مشترک المنافع ترکی^۳ به خودی خود گویای مقاصدی است که ترکیه از اتخاذ چنین سیاستی پیروی می‌کند (ابراهیمی و شاکری خوئی، ۱۳۹۳: ۲۶). به عبارتی این کشور با اتخاذ یک بیشش تاریخی از هویت ترک سعی دارد با برانگیختن احساسات پانترکی، خیزش هیدروژمونی مبتنی بر هویت ترک را دنبال کند. در کنار این نگاه پانترکی، خوانشی نوین از اسلام سنی مدرن با المان‌های ظاهراً دموکراتیک، دست‌کم در قیاس با دیگر کشورهای غرب آسیا، قدرت هویتی ترکیه را تقویت نموده است. در زمینه اقتصادی نیز این کشور جایگاه بالایی نسبت به رقبای منطقه‌ای خود دارد. طبق اعلام بانک جهانی، نرخ تولید ناخالص داخلی^۴ این کشور در سال ۲۰۲۳ به عددی بالغ بر ۹۰۶ میلیارد دلار رسید (World Bank, 2023/02/12). همچنین بر اساس داده‌های سازمان آمار ترکیه^۵ نرخ تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۲۱ رشد ۱۱ درصدی و همین‌طور نرخ تولید ناخالص داخلی بر اساس روش تولید در همان سال رشد ۴۲٫۸ درصدی داشته است. بر اساس گزارش سازمان آمار ترکیه، سهم بخش خدمات در سال ۲۰۲۱، ۲۰٫۳ درصد، بخش فناوری و ارتباطات ۲۰٫۲ درصد، بخش اداری ۱۷٫۳ درصد، بخش صنایع و معادن ۱۰٫۴ درصد، بخش آموزش ۷ درصد و بخش ساخت و ساز نیز ۳٫۵ درصدی بوده است (خبرگزاری T.R.T، ۲۰۲۲/۰۲/۸). در زمینه صنایع نظامی و صادرات سلاح نیز این کشور توانسته با اتخاذ راهبردی بلندمدت پیشرفتی چشمگیر داشته باشد به گونه‌ای که فروش خالص تسلیحات نظامی ترکیه از ۱٫۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ به حدود ۸٫۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسید. در سال ۲۰۱۸،

1 - Great Turkestan

2 - Great Union of Turkish States

3 - Turkish Commonwealth of Nations

4 - GDP

5 - TUIK

این کشور به چهاردهمین صادرکننده بزرگ اسلحه در جهان تبدیل شد، این در حالی است که در سال ۱۹۹۹ این کشور سومین واردکننده بزرگ اسلحه جهان به شمار می‌رفت (موسسه آینده پژوهی جهان اسلام، ۱۳۹۹/۰۵/۲۸). ترکیه با داشتن بنیه اقتصادی و مالی قوی و همچنین پیشرفت در عرصه تکنولوژی، توانسته این مزیت را در زمینه تقویت زیرساخت‌های خود به کار گیرد. از سویی دیگر کلان استراتژی جدید موسوم به قرن ترکیه^۱ نقش بسزایی در ماهیت هیدروژمونی این کشور خواهد داشت. این کلان استراتژی با هدف تبدیل کردن ترکیه به یک برند جهانی و ارائه تعریفی جدید از رشد و توسعه ترکیه است که مرزهای خود را تا اقیانوس‌ها، قطب‌ها و حتی فضا گسترش می‌دهد.

۵- مکانیسم‌های آبی ترکیه

مکانیسم‌های آبی ترکیه در دو سطح قابل تبیین هستند، سطح ملی و سطح منطقه‌ای. در سطح ملی ترکیه با ایجاد طرح‌ها و پروژه‌های ده‌گانه آبی خود که مشتمل بر «دشت قونیه (کوپ)^۲، توسعه شرق دریای سیاه (دُکاپ)^۳، توسعه غرب دریای سیاه (باک‌گپ)^۴، توسعه مدیترانه (آک‌دنیز‌گپ)^۵، مرمره گپ^۶، توسعه تراکیه (ترا‌گپ)^۷، آگ‌گپ^۸، آناتولی شرقی (داپ)^۹، آناتولی جنوب شرقی (گاپ)^{۱۰} و آناتولی مرکزی^{۱۱}» است، سعی در تقویت بنیه کشور در مسائل اقتصادی و رفاهی، تعمیق مشروعیت، افزایش روحیه ملی و همین‌طور ادغام گُردهای آن مناطق در جامعه ترک دارد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲۶). در سطح منطقه‌ای نیز این کشور با پروژه‌های انتقال آب و مشارکت و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آبی دیگر کشورها، سعی در بازیگری هر چه بیشتر و تاثیرگذاری عمیق‌تر بر بازیگران منطقه‌ای و همین‌طور گفتمان‌سازی در راستای سیاست‌های آبی خود دارد. یکی از حوضه‌های مورد مناقشه حوضه آبی دجله و فرات است، ترکیه این حوضه آبی را به واسطه طرح آناتولی جنوب شرقی موسوم به گاپ، شدیداً تحت تاثیر قرار داده است. ذخیره‌سازی عظیم آب به واسطه سدسازی گسترده

1 - The Century of Türkiye

2 - Konya Plain Project or Konya Ovasi Projesi (KOP)

3 - Eastern Black Sea Development Project or Dogu Karadeniz Kalkinma Projesi (DOKAP)

4 - Western Black Sea Development Project or Bati Karadeniz Gelism Projesi (BAKGEP)

5 - Mediterranean Development Project or Akdeniz Gelism Projesi (AkdenizGEP)

6 - MarmaraGEP

7 - Thrace Development Project or Trakya Gelism Projesi (TRAGEP)

8 - EGE Development Project or EGE Geis Projesi (EGEGEP)

9 - Eastern Anatolia Project or Dogu Anadolu Projesi (DAP)

10 - Southeastern Anatolia Project or GüneyDogu Anadolu Projesi (GAP)

11 - Orta Anadolu GEP

ترکیه بر دو رودخانه دجله و فرات فشار مضاعف زیادی را بر جریان طبیعی این رودخانه‌ها آورده است. ترکیه به دلیل برخورداری از سرانه بارش بالا نیاز شدید و مبرمی به آب برای آبیاری ندارد (میان آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۸۳) اما نیاز برای تامین انرژی برق آبی و همین‌طور ملاحظات سیاسی این کشور را به توسعه زیرساخت‌های آبی خود سوق داده است. ابر پروژه گاپ که مشتمل بر ۲۲ سد می‌باشد، بر دو رودخانه دجله و فرات استوار گردیده و در نوع خود یکی از بزرگ‌ترین و پرهزینه‌ترین پروژه‌ها نه تنها در ترکیه بلکه در کل جهان است (میان آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۸۳). گاپ در صورت تکمیل دارای ظرفیت بالغ بر ۵۰ میلیارد متر مکعب خواهد بود (میان آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۸۳). این پروژه شامل استان‌های «باتمان»^۱، دیاربکر^۲، غازی آنتپ^۳، سعرد^۴، کیلیس^۵، ماردین^۶، شانلی اورفا^۷ و شرناق^۸ است. حوضه آبی دیگری که مستقیماً امنیت ملی ایران را درگیر می‌کند، حوضه آبی کورا-ارس است. ابر پروژه داپ کار خود را در سال ۲۰۱۱ بی‌سر و صدا آغاز کرد. این پروژه در حوضه رود ارس-کورا و در ۱۴ استان به اجرا درآمده و تا امروز ۱۸ سد در این حوزه ساخته شده یا در حال ساخته شدن است (میان آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۸۴). از جمله این سدها می‌توان به سدهای بزرگ کاراکورت، سویله مز، مرت و نارین قلعه و قارص اشاره کرد. بنا به گزارش‌ها، وزارت خارجه ترکیه بر انتشار اسناد و جزئیات پروژه داپ که گویا قرار است شامل ۹۰ سد و ۱۰۰ طرح آبیاری اراضی کشاورزی باشد، نظارت دارد. به گفته فیصل ایروغلو^۹، وزیر سابق جنگلداری و امور آب، درآمدزایی داپ در حوزه‌های آبیاری، انرژی و آب شرب سالانه ۱.۵ میلیارد دلار خواهد بود و ۲۲۰ هزار فرصت شغلی نیز ایجاد می‌کند (خسروی‌فرد، ۱۴۰۲/۰۳/۱۳).

این پروژه‌ها را به واسطه دو دیدگاه ملی‌سازی و فرصت‌سازی می‌توان تحلیل کرد. در ملی‌سازی با توسعه و مدیریت منابع آبی علاوه بر تولید انرژی برق آبی باعث افزایش محصولات کشاورزی یعنی تامین امنیت غذایی و طبیعتاً افزایش سطح اشتغال خواهد شد که در نهایت فرهنگ دولت-ملتی را بالا

-
- 1 - Batman
 - 2 - Diyarbakır
 - 3 - Gaziantep
 - 4 - Siirt
 - 5 - Kilis
 - 6 - Mardin
 - 7 - Şanlıurfa
 - 8 - Şırnak
 - 9 - Faisal Eroglu

برده و مشروعیت دولت را نزد مردمان خود دو چندان می‌کند؛ همچنین پروژه گاپ زمینه لازم برای ادغام گُردهای آن مناطق در جامع ترک را مهیا می‌سازد. در دیدگاه فرصت‌سازی که بُعد پنهان ماجرا است، تاثیر بر کشورهای پایین دست در بستر خیزش هیدروهمز مونی، هدف اصلی است که ترکیه دنبال می‌کند. در کل پروژه‌های گاپ و داپ ترکیه را می‌توان با منطق ملی‌سازی جهت فرصت‌سازی در راستای کلان اهداف سیاسی آن کشور ترسیم کرد. استفاده از پتانسیل منابع آبی برای تاثیرگذاری و نفوذ توسط ترکیه به واسطه دو مکانیسم پروژه‌های انتقال آب و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آبی دیگر کشورها، دنبال می‌شود. ترکیه با اینکه در تامین آب شرب برای مردم خودش به خاطر ضعف زیرساخت‌ها با مشکلات اساسی و قابل توجه روبه‌رو است، در دهه‌های اخیر انتقال آب را به دیگر کشورها را در دستور کار داشته است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲۹). این پروژه‌های انتقال آب، خود به چهار دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱- انتقال آب رودخانه‌های سیحون و جیحون به کشورهای خلیج فارس ۲- انتقال آب ماناوگات به اسرائیل و چند کشور دیگر ۳- انتقال آب رودخانه آنامور به قبرس ۴- انتقال آب رودخانه سیحون و جیحون به اردن (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲۹). مطرح شدن این پروژه‌ها صرفاً با هدف جبران کمیابی آب نیست، زیرا حجم آب انتقالی بسیار کمتر از نیاز واقعی است. در حالی که هزینه‌های اقتصادی، امنیتی و زیست محیطی این طرح‌ها سرسام‌آور است. لذا گفته می‌شود پیشنهاد و پیگیری این طرح‌ها توسط ترکیه عمدتاً با اهداف سیاسی و امنیتی در کنار عواید اقتصادی دنبال می‌شود به همین خاطر عده‌ای از کارشناسان اعتقاد دارند که اصولاً این طرح‌ها در جهت احیای قدرت نوعثمانی و تبدیل شدن به هژمون منطقه است (اسداللهی و ذکی، ۱۳۹۹: ۷). دومین مکانیسم هیدروپلیتیک ترکیه در سطح منطقه‌ای مشارکت و سرمایه‌گذاری و حضور در پروژه‌های آبی فرامرزی است. مصرف آب در افغانستان به دلیل رشد کشاورزی در حاشیه هیرمند افزایش داشته و شاید همین بهانه‌ای بود برای ترکیه که در بند (سد) کجکی سرمایه‌گذاری کند و در واقع هیدروهمز مونی خود را گسترش دهد. شرکت موریسون-کندوسون^۱ در سال ۱۳۳۲ (۷۰ سال پیش) فاز اول این سد را با ظرفیت ۵۱ مگاوات برق به پایان برد. فاز دوم بند کجکی به دلیل مشکلات داخلی افغانستان به تاخیر افتاد تا اینکه وزارت آب و انرژی افغانستان برای تکمیل آن قراردادی سه جانبه با آمریکا و ترکیه امضا کرد (خسروی‌فرد، ۱۳/۰۳/۱۴۰۲). شرکتی ترکیه‌ای به نام «ساختمان ۷۷»^۲ با قراردادی ۲۰۰ میلیون دلاری

1 - Morrison-Knudsen

2 - 77 İnşaat

در سال ۱۳۹۵-زمانی که حکومت وحدت ملی سر کار بود- عملیات فاز دوم را آغاز و در مرداد ۱۴۰۱ آن را تکمیل کرد (خسروی فرد، ۱۳/۰۳/۱۴۰۲). فعالیت دیگر ترکیه روی رود هیرمند اتمام بند کمال خان است. ساخت این سد در ۸۰ کیلومتری مرز ایران سال ۱۳۴۵ در سه فاز آغاز شد و تنها یک فاز آن به پایان رسید. پس از توقفی ۴۵ ساله، ساخت فاز دوم در سال ۱۳۹۰ شروع و چهار سال بعد تکمیل شد. اجرای فاز سوم با قراردادی ۷۸ میلیون دلاری به یک شرکت ترک-افغان به نام پیماتک^۱ رسید. محمد اشرف غنی، رئیس جمهور پیشین افغانستان، اجرای فاز سوم را در فروردین ۱۳۹۶ اعلام و آن را در فروردین ۱۴۰۰ افتتاح کرد. ظرفیت مخزن این سد ۵۲ میلیون متر مکعب، سطح زیرکشت ۱۷۴ هزار هکتار و تولید برق آن ۹ مگاوات است (خسروی فرد، ۱۳/۰۳/۱۴۰۲). ترکیه با سرمایه گذاری و افتتاح فاز سوم سد کمال خان و همچنین توسعه ظرفیت سد کجکی به یک میلیارد متر مکعب بر روی رودخانه هیرمند، قلمرو گفتمانی سیاست های آبی خود را به شرق گسترانیده و توانسته با نفوذ اندیشه، فرهنگ و کالاهای خود در افغانستان، سیاست های این کشور را در جهت نظم سیاسی مطلوب خود تغییر دهد (اسداللهی و ذکی، ۲۰۲۰: ۶).

۶- پیامدهای هیدروپلیتیک ترکیه بر امنیت ملی ایران

امنیت ملی ایران به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر هیدروژمونی ترکیه و تهدیدات ناشی از آن قرار خواهد گرفت. هیدروپلیتیک این کشور در دو حوضه آبی کورا-ارس و دجله و فرات، امنیت زیست محیطی ایران را تهدید می کند. به عبارتی هیدروژمونی این کشور با تهدید امنیت غذایی، تغییرات اقلیمی، تغییر بافت جمعیتی، گسترش رادیکالیسم در منطقه و تقویت قدرت چانه زنی ترکیه، امنیت ملی ایران را به مخاطره می افکند.

۶-۱- تهدید امنیت غذایی

ترکیه با مکانیسم های آبی خود در دو سطح ملی و منطقه ای، امنیت زیست محیطی ایران را از طریق فرسایش خاک، تغییر اکوسیستم، ایجاد بحران آب، افزایش بلایای طبیعی و کاهش کیفیت هوا تضعیف می کند. با تکمیل دو پروژه داپ و گاپ، آب ورودی به کشورهای پایین دست شدیداً کاهش می یابد. این مسئله منجر به خشک شدن تالاب ها، فرسایش شدید خاک، تشدید بیابان زایی و تبدیل زمین های کشاورزی به شوره زار می شود (ملکی، ۱۴۰۰: ۲۱۴). این امر باعث از بین رفتن کسب و کارهای حوضه

پایین دست، کاهش بهره‌وری زمین‌های کشاورزی و در نهایت کاهش تولید مواد غذایی در استان‌های شمال غرب و غرب ایران خواهد شد. در پروژه داپ، چهار نوع حقابه ایران تحت تأثیر قرار می‌گیرد که شامل، حقابه زیست محیطی، کشاورزی، صنعتی و حقابه شرب (شهری) است. با به خطر انداختن طرح کشت و صنعت مغان و ایجاد مشکل برای آبیاری اراضی کشاورزی شمال غرب که پایاب ارس محسوب می‌شود، امنیت غذایی شمال غرب ایران تهدید خواهد شد. همچنین فعالیت کارخانه‌ها در چشم‌انداز میان‌مدت و درازمدت و مهم‌تر از همه، تأمین آب شرب شهرهای شمال غرب ایران به‌ویژه آب تبریز به مخاطره می‌افتد (ملکی، ۱۴۰۰: ۲۱۴). در پروژه گاپ نیز با خشک شدن تالاب هورالعظیم و کاهش سطح آب اروندرود صید ماهی کاهش می‌یابد و معیشت مردمان آن مناطق به مخاطره می‌افتد (ملکی، ۱۴۰۰: ۲۱۴).

۶-۲- تغییرات اقلیمی

در حوضه آبی دجله و فرات، ترکیه به واسطه پروژه گاپ آب‌های ورودی به رودخانه‌های پایین دست را به شدت کاهش داده است. تکمیل پروژه گاپ، باعث کاهش ۹۰ درصدی در جریان ورودی به عراق و ۴۰ درصدی در جریان ورودی به سوریه خواهد شد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶). از طرفی کاهش جریان ورودی آب به عراق، منجر به خشک شدن تالاب هورالعظیم می‌شود که این امر باعث تغییر اکوسیستم منطقه و به طبع افزایش روزهای گرد و غباری در مرزهای غربی و جنوب غربی ایران می‌شود. همچنین با تکمیل این پروژه کانون‌های ایجاد ریزگرد در مناطق شمال غرب عراق در مرز با سوریه، غرب عراق در مرز با اردن و هور مرکزی عراق، گسترده‌تر خواهد شد و این یعنی تشدید چالش ریزگردها به‌ویژه در غرب و جنوب غرب ایران (ملکی، ۱۴۰۰: ۲۱۶). در تغییرات اقلیمی برآمده از پروژه‌های داپ و گاپ، شاخص‌هایی همچون ناپایداری زندگی، از بین رفتن تنوع زیستی، تخریب محیط زیست و خشکسالی‌های مستمر، نقش پررنگی دارند (فرهادی، ۱۳۹۹: ۱۵۸).

۶-۳- تغییر بافت جمعیتی

یکی از اهداف پنهان ترکیه در دنبال کردن پروژه گاپ، تغییر بافت جمعیتی مناطق کردنشین در جنوب شرقی آن کشور است. به‌عنوان مثال احداث سد ایلیسو موجب شده بخش‌های متمرکز اکراد به دو نیمه تقسیم شوند، همچنین بخشی از ارتباط اکراد در عراق و ترکیه نیز قطع شود (محمدی خسروی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲۰). بنابراین اگرچه ترکیه هدف این پروژه را آبرسانی به مناطق کردنشین اعلام

نموده، لیکن مهم‌ترین هدف امنیتی آن ایجاد خط حائل در مناطق کردنشین جنوب شرق و از بین بردن تمرکز اکراد و کاهش تمایلات جدایی‌طلبانه در این مناطق است (محمدی خسروی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲۰). به لحاظ آماری، تقریباً بیش از ۷۰ درصد جمعیت کردی منطقه در حوزه آبی دجله و فرات مستقر هستند (محمدی خسروی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲۰). بنابراین سیاست تغییر بافت جمعیتی کردها می‌تواند موج گسترده مهاجرت جمعیت مناطق کردنشین در این حوضه‌ها را به دنبال داشته باشد و با تغییر بافت جمعیتی، نسبت اکثریت قومیتی آنها را از بین ببرد. ابعاد امنیتی هیدروپلیتیک ترکیه به ابعاد داخلی محدود نبوده و سیاست مهار کردها در مناطق همجوار ترکیه را نیز در بر می‌گیرد. سیاست‌گذاران خارجی ترکیه همواره دغدغه کنترل کردها، تغییر ساختار سیاسی در کردستان عراق و به حاشیه راندن و تضعیف کردهای عراق و سوریه را در ذهن داشته‌اند (محمدی خسروی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲۲). بنابراین ترکیه از یک سو با هدف آبرسانی به مناطق داخلی کردنشین و از بین بردن تمایلات جدایی‌طلبانه و از سوی دیگر ایجاد خط حائل میان کردنشینان جنوب شرق و از بین بردن تمرکز اکراد به‌ویژه در مناطق مرزی عراق و سوریه، گام بر می‌دارد. با توجه به این واقعیت که بخش اعظم منابع آبی سوریه از طریق رودخانه فرات تامین می‌شود، در نتیجه ترکیه با مهار بخش عمده‌ای از آن عملاً تاثیر مستقیمی بر زندگی مناطق کردنشین شمال سوریه و متعاقب آن، امنیت ملی سوریه خواهد داشت. با توجه به اهمیت و جایگاه سوریه در استراتژی‌های منطقه‌ای ایران، تزلزل در امنیت ملی آن کشور، با به چالش کشیده شدن منافع و امنیت ملی ایران مترادف است. همچنین به دلیل اینکه کردها دارای اشتراکات قومی و قرابت فرهنگی، تاریخی، نژادی و زبانی با ایران هستند، هر گونه سیاست کوچاندن آنها بر امنیت ملی ایران تاثیر می‌گذارد (محمدی خسروی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲۴). اگر در پروژه گاپ، تغییر بافت جمعیتی برای ایران تهدیدی غیر مستقیم باشد، در پروژه داپ این مسئله به صورت مستقیم بر استان‌های آذربایجان غربی و شرقی و همین‌طور اردبیل تاثیر خواهد گذاشت. به احتمال زیاد دبی رودخانه ارس در سال‌های آینده به وسیله سدسازی گسترده ترکیه بر این حوضه به شدت کاهش می‌یابد. یکی از پیامدهای این مسئله گسترش مهاجرت و تغییر بافت جمعیتی شمال و شمال غرب و اصطکاک مستقیم امنیت ملی ایران است.

۶-۴- گسترش رادیکالیسم بر ضد منافع ملی ایران

چارلز تیلی^۱ در نظریه بسیج منابع خود اعتقاد دارد که منشاء اصلی انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنبش‌های اجتماعی، توطئه سیاسی و نهایتاً گسترش رادیکالیسم، رقابت میان مدعیان یا به عبارتی میان اعضا و چالشگران آنها است (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۶). بر اساس این نظریه اقدامات ترکیه در زمینه هیدروپلیتیک را می‌توان یکی از عوامل تقویت‌کننده و شتاب‌دهنده تقابل اعضا (دولت‌های سوریه و عراق) مقابل چالشگران (گروه‌های تکفیری و وهابی) دانست. به عبارتی سیاست‌های آبی ترکیه را می‌توان یکی از عوامل ریشه‌ای گسترش رادیکالیسم در منطقه غرب آسیا دانست. از یک سو هیدروپلیتیک ترکیه به همراه دیگر دینامیک‌ها^۲ و آنتروپی‌های منطقه‌ای^۳ و از سوی دیگر خشکسالی‌های پیاپی، موجب گسترش گفتمان افراط‌گرایی و نهایتاً رادیکالیسم در سوریه شد (De Chatel, 2014: 524). پیدا کردن رابطه مستقیم علت و معلولی میان خشکسالی و بحران کم‌آبی با گسترش رادیکالیسم را می‌توان در جنگ داخلی سوریه مشاهده کرد. کاهش مداوم حجم آب آمده از سوی ترکیه و خشکسالی شدید ۵ ساله که از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ آن کشور را درگیر کرد، یکی از مسائل ریشه‌ای وقوع جنگ داخلی در آن کشور بود که در مارس ۲۰۱۱ شعله‌ور شد (De Chatel, 2014: 524). وقوع خشکسالی و بروز بحران کم‌آبی، کشاورزی و دامداری در مناطق شمال و شمال شرق سوریه را شدیداً تحت تاثیر قرار داد، به گونه‌ای که میزان برداشت گندم در سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ به ۲.۱ میلیون تن در سال رسید (De Chatel, 2014: 524). این در حالی است که میانگین تولید گندم آن کشور ۴.۷ میلیون تن و میزان مصرف داخلی ۳.۸ میلیون تن بود. در سال ۲۰۰۸، سوریه که تا پیش از آن به استقلال غذایی شهرت داشت و حتی صادرکننده غذا نیز بود، وادار شد برای اولین بار دست به دامان کمک‌های اضطراری بین‌المللی غذا شود (De Chatel, 2014: 525). خشکسالی شدید و بحران کم‌آبی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، قطع ناگهانی یارانه‌های دولتی و افزایش شدید قیمت سوخت که برای پمپاژ آب از چاه‌های عمیق حیاتی بود، نهایتاً به فروپاشی کامل کشاورزی در بسیاری از مناطق سوریه انجامید (De Chatel, 2014: 525). این عوامل منجر به مهاجرت کشاورزان به شهرهای بزرگ همچون درعا، دیرالزور، حسکه و رقه شد (De Chatel, 2014: 524). از یک سو گسترش فقر، حاشیه‌نشینی و عدم

1 - Charles Tilley

2 - Dynamics

3 - Regional Entropies

ادغام جمعیت مهاجر در بافت شهری و از سوی دیگر مدیریت ضعیف دولت و پریشانی اوضاع سیاسی، سلفی‌گری و رادیکالیسم دینی را مامنی جذاب برای کشیده شدن هرچه بیشتر این افراد به سمت خود تبدیل کرد. ساختارسازی اسلام مبتنی بر رادیکالیسم در منطقه غرب آسیا جهت فرایندی برای مقابله با قدرت شیعیان و به صورت مشخص ایران صورت گرفته است. حال این حقیقت که سوریه و عراق به لحاظ ژئوپلیتیکی و اقتصادی تعریف خاصی در منافع ملی و سیاست خارجی ایران دارند، ثبات در آنها یکی از کار ویژه اصلی تامین امنیت و منافع ملی ایران است.

۵-۶- تقویت قدرت چانه‌زنی سیاسی ترکیه در مقابل ایران

نگاه راهبردی به پروژه داپ و گاپ به نوعی با منطقه‌گرایی آنکارا و ابزارسازی رهبران این کشور برای تاثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای ارتباطی مستقیم دارد. افزایش سریع تقاضا برای انرژی و وابستگی این کشور به سوخت‌های فسیلی عمده‌تاً وارداتی موجب شده تا ترکیه به دنبال ابزارهایی برای رهایی از این وابستگی باشد. ترکیه برای تامین انرژی مورد نیاز خود تا ۸۵ درصد متکی بر سوخت‌های فسیلی است (درخشنده، ۱۳۹۹/۰۷/۱۱). این کشور برای تامین نفت و گاز مورد نیاز خود شدیداً متکی بر واردات است به گونه‌ای که ۶۵ درصد از انرژی مصرفی خود را از دیگر کشورها وارد می‌کند (درخشنده، ۱۳۹۹/۰۷/۱۱). واردات نفت ترکیه برای سال ۲۰۱۹ در حدود روزانه یک میلیون بشکه در روز ثبت شده، همچنین واردات گاز این کشور معادل ۴۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۹ بوده است (درخشنده، ۱۳۹۹/۰۷/۱۱). در همین راستا ترکیه برای تغییر معادلات انرژی به نفع خود تلاش دارد بر پایه هیدروژمونی به تفسیر اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع آبی (دکترین هارمون)^۱ پردازد. طبق دکترین آمریکایی هارمون، یک کشور بر قلمرو و منابع درون مرزهای خود حاکمیت مطلق دارد. به عبارت دیگر هر کشور حاکمیتی تام و مطلق بر آب ورودی رودخانه‌های فرامرزی دارد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۷). حال به وضوح و آشکارا ردپای این دکترین را می‌توان در صحبت‌ها و عملکرد سیاست‌گذاران ترک یافت. رضا تکین^۲ سفیر این کشور در ایران در سخنرانی خود در تهران در سال ۱۳۹۶ اعلام کرد که «امروزه یک بطری آب از یک بشکه نفت ارزشمندتر است و دولت‌ها منابع آب را بیش از هر زمان جزو منابع ملی و حق خود می‌دانند، اگر دیگر کشورها می‌خواهند آب را با هم شریک شویم، پس چرا نفت را هم نمی‌توان با هم شریک شد (روزنامه خراسان، ۱۳۹۶/۰۴/۱۵). سلیمان

1 - Harmon doctrine

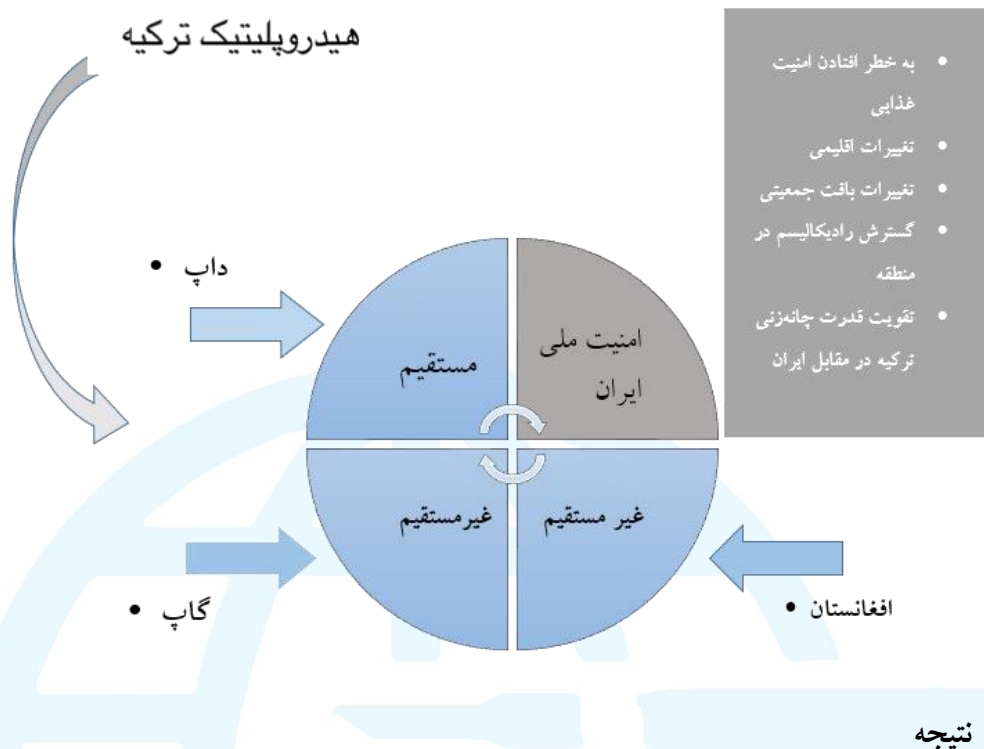
2 - Reza Tekin

دمیرل^۱، نخست‌وزیر اسبق ترکیه در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «کشورهایی مثل سوریه و عراق حق ندارند سیاست‌های آبی ترکیه را سرزنش کنند همان‌گونه که ترکیه حق ندارد سیاست نفتی این کشورها را نکوهش کند. دجله و فرات رودخانه‌هایی هستند که از کشور جاری می‌شوند و به ترکیه تعلق دارند. ترکیه هرگونه که مایل باشد از آب‌هایش استفاده می‌کند (تابناک، ۱۳۹۷/۰۲/۱۲). در واقع نگاه بلندمدت ترکیه این است که بتواند منابع آبی خود را با همسایگان خود معاوضه کند، به شیوه‌ای که تسلط بالادستی بر آب‌های دجله و فرات به منزله یکی از ابزارهای کلیدی تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای تلقی شده که قدرت آنکارا برای شکل‌دهی مناسبات منطقه‌ای و تحمیل ترجیحات خود به سایر کنشگران را افزایش خواهد داد. این مسئله در حوضه ارس برای ترکیه زمینه بسیاری از زیاده‌خواهی‌ها و امتیازگیری‌ها در مقابل ایران را فراهم خواهد کرد. به کارگیری منابع آبی برای رسیدن به مقاصد سیاسی توسط ترکیه، احتمالاً ایران را به بازنگری در سیاست‌های خود نسبت به کردها تحت فشار قرار خواهد داد. ممکن است ترکیه رهاسازی آب بیشتر در حوضه آبی کورا-ارس را مشروط به قرار گرفتن شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک کردستان موسوم به YPG در لیست گروه‌های تروریستی ایران و همین‌طور اعمال فشار بیشتر ایران بر حزب کارگران کردستان موسوم به PKK کند. پیش‌تر مولود چاووش اوغلو^۲، وزیر خارجه سابق ترکیه در جریان کنفرانس خبری مشترک با امیرعبداللهیان، همتای ایرانی خود از نیروهای PKK و YPG به‌عنوان تهدیدی مشترک علیه دو کشور ترکیه و ایران نام برده بود (کرد پرس، ۱۴۰۱/۱۰/۲۸). از آنجایی که ایران باید سیاست خارجی مستقلی نسبت به کردها به دلایل داخلی و منطقه‌ای اتخاذ کند، این مسئله به چالشی جدی برای تصمیم‌گیران سیاسی و نظامی ایران تبدیل می‌شود.

1 - Süleyman Demirel

2 - Mevlüt Çavuşoğlu

شکل ۴- هیدروپلیتیک ترکیه و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران



مسدودسازی جریان طبیعی رودخانه‌های بین‌المللی دجله و فرات و همین‌طور ارس مخاطرات زیست محیطی، زیان‌های اقتصادی، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و همین‌طور معضلات سیاسی-امنیتی گسترده‌ای بر منطقه و ایران وارد ساخته است. پروژه گاپ و داپ به افزایش بیکاری، ناامنی، گسترش فقر و آسیب‌های اجتماعی-فرهنگی منجر می‌شود و ایران را با بحران‌های فزاینده‌ای مواجه می‌کند. تهدیدات زیست محیطی ناشی از کمبود آب بر اثر مسدودسازی جریان طبیعی رودخانه‌های یاد شده، به امنیتی‌تر شدن دسترسی به آب و تشدید کم‌آبی منجر می‌شود. اجرای پروژه‌های گاپ و داپ نه تنها تاثیر بسزایی بر شرایط اقلیمی و مناسبات آبی ترکیه خواهند داشت بلکه آینده انواع معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور با همسایگان خود را تحت تاثیر قرار خواهند داد. این دو پروژه زنجیره‌ای از چالش‌ها را به صورت مستقیم و غیر مستقیم متوجه امنیت ملی ایران خواهند کرد. همچنین ترکیه به واسطه سرمایه‌گذاری در دو سد کجکی و کمال‌خان افغانستان نه تنها گفتمان آبی خود را گسترش داده بلکه به صورت غیر مستقیم بسیاری از چالش‌های زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی شرق و جنوب شرق کشور را تعمیق کرده است. به عبارتی این کشور، امنیت ملی ایران را در مثلث شرق، جنوب غرب و شمال غرب کشور تحت تاثیر قرار می‌دهد. هامون و هیرمند در شرق و هورالعظیم در

جنوب غرب به صورت غیر مستقیم و ارس و سرزمین‌های شمال غرب ایران به صورت مستقیم نقاط کانونی تحت تاثیر هیدروژمونی ترکیه هستند. پروژه گاپ ترکیه پیامدهای بسیار خطرناکی نه تنها برای ایران بلکه برای کل منطقه دارد. اگرچه که پیامدهای مستقیم این پروژه بر دو کشور عراق و سوریه متمرکز است، با این حال به دلیل اینکه این دو کشور عمق استراتژیک ایران محسوب می‌شوند و همچنین بستر بسیاری از استراتژی‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران هستند، هرگونه تزلزل امنیت و گسترش بی‌ثباتی آنها به معنای افزایش هزینه‌های مادی، معنوی و سیاسی ایران است. در صورت وقوع جنگ یا ناآرامی‌های داخلی در آن دو کشور، ایران مجبور به دخالت می‌شود. با این حال به دلیل اینکه جمهوری اسلامی ایران تقریباً در تمام دوران حیات خود تحت تحریم قرار داشته و مضاف بر آن ناکارآمدی دولت‌ها عملاً باعث شده فاقد یک بنیه اقتصادی قوی باشد، در نتیجه حضور در هر جنگی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم فشار زیادی بر مردم وارد می‌کند و به دلیل ضعف در اقناع‌سازی مخاطب در فرایند امنیتی کردن توسط حکومت، عملاً باعث بدبین شدن و کاهش مشروعیت دولت و حاکمیت در داخل می‌شود. به عبارتی تهدیدات غیر مستقیم ناشی از طرح گاپ بر امنیت ملی ایران احتمالاً قابلیت تشدید چالش‌های داخلی و منطقه‌ای ایران را خواهند داشت و سیاست‌گذاران و دولت‌مردان را با چالش‌های جدی مواجه می‌کنند. پروژه داپ نیز در صورت تکمیل و بهره‌برداری، آب ورودی به ایران را به شدت کاهش می‌دهد. زمانی که آب نباشد کشاورزی هم نیست، پس ایران برای تامین منابع غذایی با مشکل مواجه خواهد شد، زمانی که منطقه‌ای چنین مشکلی داشته باشد، پدیده مهاجرت داخلی شدت می‌گیرد. تغییر در بافت جمعیتی و بافت مردم منطقه، منجر به ناآرامی‌ها و اعتراضات مختلف می‌شود. درست همین‌جا است که به درهم تنیدگی ابعاد مختلف امنیت مانند، امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی پی می‌بریم. اگرچه که ترکیه به صورت مستقیم نقشی در بحران آبی شرق کشور ندارد با این حال به دلیل سرمایه‌گذاری و مشارکت این کشور در تکمیل دو سند کجکی و کمال‌خان، چالش‌های زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی شرق ایران تشدید شده‌اند. حال به نظر می‌رسد با بازگشت طالبان به قدرت که چه از نظر سیاسی و چه به لحاظ ایدئولوژیک در سایش با ایران است، مسئله حقابه ایران در هیرمند بیش از پیش تحت تاثیر قرار گیرد و به‌عنوان یک ابزار سیاسی درآید. همچنین گسترش گفتمان نفت در برابر آب و جا افتادن دکترین هارمون، منجر به تضعیف موقعیت ایران در مذاکرات آبی آینده خواهد شد. در نهایت باید اشاره کرد که ترکیه با استفاده از مزیت ژئوپلیتیکی خود از طریق کنترل جریان طبیعی

رودخانه‌های دجله، فرات و ارس بر منابع حیاتی منطقه و کشورهای تاثیرپذیر تسلط یافته و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه و توسعه‌طلبانه خود را عملیاتی و نقشی به مثابه یک هیدروژمونی پیدا کرده است. هیدروژمونی ترکیه با از بین بردن عناصر زیست محیطی و تضعیف اکوسیستم‌های طبیعی و به طور کلی تهدید امنیت زیست محیطی کشورهای تاثیرپذیر، امنیت ملی ایران را در معرض تهدیدات بی‌سابقه‌ای قرار داده است. مطابق نظریه بوزان تهدید منابع حیاتی به مثابه تهدید وجودی است و نیازمند اتخاذ تدابیری اضطراری است. مسدودسازی جریان طبیعی رودهای بین‌المللی دجله، فرات و ارس امنیت ملی ایران را با مخاطرات گسترده و فزاینده‌ای مواجه ساخته و اتخاذ تدابیری اضطراری را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در صورت عدم توجه مناسب به طرح‌ها و کلان استراتژی‌های آبی ترکیه، ایران در میانه تهدیداتی پیچیده گرفتار خواهد شد. غفلت از هیدروپلیتیک ترکیه به معنای تثبیت هیدروژمونی آن کشور است. این مسئله با به خطر انداختن امنیت زیست محیطی ایران، عراق و سوریه، تهدیداتی چند لایه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی متوجه امنیت ملی ایران می‌کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، سجاد، و شاکری خوئی، احسان (۱۳۹۳). بررسی نقش گفتمان پان‌ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۱ (۴۳)، ۱-۲۳.
- ۲- آذر شب، محمد تقی؛ نجم آبادی، مرتضی، و بخشی تلیابی، رامین (۲۰۱۷). جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۳ (۴۰)، ۱۱۹-۱۴۶.
- ۳- اسداللهی، سید سروش، و ذکی، یاشار (۲۰۲۰). هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تاثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه. *فصلنامه آمایش سیاسی فضا*، ۳ (۱)، ۱-۹.
- ۴- بوزان، باری (۱۳۸۸). مردم دولت و هراس. چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- بوزان، باری، ویور، و دو ویلد (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- تاجیک، هادی؛ عالیشاهی، عبدالرضا، و مجیدی نژاد، سید علی (۱۳۹۵). گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز-تیلی. *فصلنامه آفاق امنیت*، ۷ (۲۳)، ۵۰۶.
- ۷- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مجتهدزاده، پیروز، و علی‌زاد، جعفر (۱۳۸۵). هیدروپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان. *مجله مدرس علوم انسانی*، ۱۰ (۲)، ۸۳-۱۰۳.

- ۸- رشیدی نژاد، احمد؛ کاویانی راد، مراد، و متقی دیسفانی، افشین (۱۴۰۰). نسبت مناسبات هیدروپلیتیک با تغییر ساختار هیدروهمومون نمونه پژوهی سد رنسانس در اتیوپی. *فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»*، ۳۰ (۱۷)، ۱۳۳-۱۵۰.
- ۹- سازمند، بهاره (۱۳۹۳). مکتب کپنهاگ و امنیت زیست محیطی خلیج فارس: واکاوی فعالیت سازمان راپمی. *همایش ملی خلیج فارس، تهران، دوره ۹، ۱۷۲-۱۸۸*.
- ۱۰- فرهادی، علی (۱۳۹۹). تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه (GAP) بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. *امنیت ملی*، ۳۸ (۱۰)، ۱۳۳-۱۶۴.
- ۱۱- قریشی، سیده زهرا؛ میان آبادی، حجت، و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۹). تحلیل ابعاد مأموریت هیدرولیکی در هیدروپلیتیک ترکیه. *تحقیقات منابع آب ایران*، ۱۶ (۱)، ۳۰۴-۳۳۱.
- ۱۲- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰). پردازش مفهوم امنیت زیست محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی). *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۷ (۳)، ۸۰-۱۰۰.
- ۱۳- کرمی، افشین؛ حسین زاده، جواد، و پیشگامی فرد، زهرا (۱۳۹۵). تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات. *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، ۵ (۱۷)، ۲۹-۵۱.
- ۱۴- گرگیچ، فرهاد، و خزایی، ضیاء (۱۳۹۹). بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۵ (۴۷)، ۴۹-۷۰.
- ۱۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۶). هیرمند و هامون در چشم انداز هیدروپلیتیک خاوری ایران. *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۲*.
- ۱۶- محمد، جلالی؛ افشاری، مریم، و مزینانیان، زینب (۱۳۹۹). تأثیر ابعاد زیست محیطی تغییرات اقلیمی بر امنیت ملی. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۲ (۹)، ۱۷۹-۱۹۰.
- ۱۷- محمدی خسروی، اعظم؛ شاهنده، بهزاد؛ اطهری، اسدالله، و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۹). پروژه آناتولی جنوب شرقی در بستر بحران هویت ملی ترکیه. *سیاست جهانی*، ۹ (۲)، ۸۵-۱۱۶.
- ۱۸- محمدی خسروی، اعظم؛ شاهنده، بهزاد؛ اطهری، سیداسدالله، و هرمیداس باوند، داوود (۱۴۰۲). پیامدهای سیاسی پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) بر کردها. *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل*، ۱۱ (۲)، ۴۲۶-۴۵۴.
- ۱۹- مختاری هشی، حسین، و قادری، حجت (۱۳۹۱). هیدروپلیتیک ایران، جغرافیای بحران آب در افق سال ۱۴۰۴. *فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک*، ۹ (۳۱)، ۴۹-۸۳.
- ۲۰- مختاری هشی، حسین، و قادری، مصطفی (۱۳۹۱). هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵ مطالعه موردی: حوضه های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل. *فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک*، ۴ (۱۱)، ۳۶-۷۴.
- ۲۱- مظفری، ابوالقاسم؛ حاجی حسینی، حمیدرضا، و حاجی حسینی، محمدرضا (۱۳۹۸). بررسی جایگاه ژئوپلیتیک آب در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی بر اساس رویکرد سیستم های پویا. *فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک*، ۱۵ (۵۳)، ۱۴۵-۱۱۸.

- ۲۲- ملکی، ماری (۱۴۰۰). اهداف امنیتی ترکیه در پروژه سدسازی گاپ و تاثیر آن بر امنیت ملی، فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، ۵(۱۰)، ۲۰۳-۲۱۹.
- ۲۳- میان آبادی، حجت، و امینی، اعظم (۱۳۹۸). درهم تنیدگی آب، سیاست و محیط زیست در حوضه آبریز دجله و فرات. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۶.
- ۲۴- میرزایی پور، طاهره (۱۳۹۸). تبیین هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما حمیدرضا محمدی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۵- میرفخرایی، سیدحسن، و خدایی، مصطفی (۱۴۰۰). بحران آب و چارچوب‌های حقوقی نوین منطقه‌ای و بین‌المللی. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۹(۲)، ۳۰۷-۳۳۳.
- ۲۶- ناصحی، محمد، و گودرزی، مهناز (۱۳۹۹). پروژه سدسازی ترکیه، تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران. روابط خارجی، ۴۵(۱۲)، ۱۰۴-۱۲۹.
- ۲۷- نصرتی، حمیدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد، و ساسان پور، فرزانه (۱۳۹۸). واکاوی مفهوم امنیت آب از منظر جغرافیای سیاسی. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۵(۵۳)، ۲۳-۵۹.

منابع غیر فارسی

- 1- Cullather, N. (2002). Damming Afghanistan: Modernization in a buffer state. *The Journal of American History*, 89(2), 512-537.
- 2- De Chatel, Francesca. (2014). The Role of Drought and Climate Change in the Syrian Uprising: Untangling the Triggers of the Revolution. *Middle Eastern Studies*, 50(4), 521-535.
- 3- Le Visage, S., Kuper, M., Venot, J. P., Yercan, M., & Atiş, E. (2018). Pursuing the state's hydraulic mission in a context of private groundwater use in the Izmir Province, Türkiye. *Water alternatives*, 11(2), 421-438.
- 4- Mehta, A. S., & Warner, J. F. (2022). Multi-level hegemony in transboundary Flood Risk Management: A downstream perspective on the Maritsa Basin. *Environmental Science & Policy*, 129, 126-136.
- 5- Moll, F. (2009). River-basin planning and management: The social life of a concept. *Geoforum*, 40(3), 484-494.

منابع اینترنتی

- ۱- روزنامه خراسان (۱۳۹۶/۰۴/۱۵). ترکیه از سدسازی بر دجله و فرات چشم‌پوشی نمی‌کند. <http://khorasannews.com/newspaper/page/۱۹۵۷۶/۱/۵۸۰۵۵۶/۰>
- ۲- تابناک (۱۳۹۷/۰۲/۱۲). سیاست آب بازی ترکیه و مصیبت‌هایی که متوجه ایران، عراق و سوریه است. <http://www.tabnak.ir/fa/news/795494/>
- ۳- موسسه آینده پژوهی جهان اسلام (۱۳۹۹/۰۵/۲۸). صنایع دفاعی ترکیه و چشم‌انداز آن. <https://iiwfs.com/%D8%B5%D9%86%D8%A7%DB%8C%D8%B9>
- ۴- درخشنده، مسعود (۱۳۹۹/۰۷/۱۱). امنیت انرژی: نگاهی به قدرت‌های اقتصادی دنیا و ترکیه، آناتولی، استانبول. <https://www.aa.com.tr/fa/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1>

۵- کرد پرس (۱۴۰۱/۱۰/۲۸). حضور PKK و YPG در کردستان عراق و سوریه تهدیدی مشترک علیه ایران و ترکیه است.
<https://www.kurdpress.com/xnkk>

۶- خسروی فرد، سام (۱۴۰۲/۰۳/۱۳). هیدروژمونی ترکیه: تهدید ایران از سه سو. ایندپندنت فارسی.
<https://www.independentpersian.com/node/>

۷- خبرگزاری T.R.T (۲۰۲۲/۰۲/۲۸). اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۲۱ میلادی ۱۱ درصد رشد کرد.
<https://www.trt.net.tr/persian/qtsd/2022/02/28/qtsd-trkhyh-dr-sl-2021-myldy-11-drsd-rshd-khrd-1786834>

8- World Bank (2023/02/12), TURKIYE.
<https://www.worldbank.org/en/country/Turkiye/overview>

